

Organization

سازمان

Pars

پارس

Overthrow
Committee

شورای براندازی



گاهنامه

تیر ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

شماره ۵۶

ژوئن ۲۰۰۷

1€

سال نهم

« براندازی زمینه ساز دمکراسی در ایران است »





حکومت اسلامی در ایران محکوم به نابودی است و این مهم با همیاری و رزم فرزندان ایرانزمین به زودی عملی خواهد شد و پس از یک دوره انتقالی به ایرانی آزاد، آباد و سرفراز دست خواهیم یافت.

۱۸ تیر روز قیام ملی ملت ایران روز براندازی حکومت اسلامی

چو ایران نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد



در حالی که پنج سال و نیم از سقوط طالبان توسط ارتش آمریکا می گذرد هنوز ناامنی و جنگ داخلی در افغانستان ادامه دارد. در عراق نیز پس از سقوط صدام حسین توسط آمریکا هنوز ناامنی، درگیری داخلی و ترور ادامه دارد و در آینده نزدیک نیز امید آن نیست که در این دو کشور رفاه و دموکراسی سایه افکند. ملت شریف ایران، در شرایط حساس کنونی که بیم تهاجم نظامی به ایران با هدف استقرار یک رژیم دست نشانده خارجی می رود، بر ما فرزندان ایرانزمین است که مسئولیت شرایط حال را درک کنیم و با یک قیام ملی در روز ۱۸ تیر و براندازی حکومت اسلامی بر سرنوشت خویش حاکم شویم و حق خود را از سیاستهای استعماری مذهبی و غیرمذهبی جهان بگیریم.

فهرست

- ۱ ۱۸ تیر روز قیام ملی ملت ایران روز براندازی
- ۳ توحش حکومتی
- ۵ جمهوری اسلامی وزارت خارجه آمریکا را می چرخاند
- ۶ ۲۲ خرداد روز ملی همبستگی زنان ایرانزمین
- ۷ نوشته از جوانی در ایران
- ۸ سرنگونی حکومت اسلامی تنها راه رهایی جامعه
- ۹ همبستگی برای براندازی
- ۱۱ ویژه نامه بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی
- ۱۲ ۲۲ خرداد روز همبستگی زنان ایرانزمین را ارج می نهیم
- ۱۳ جلسات جدید آقای آهی و سلطنت طلبان و اعضای اکثریت
- ۱۵ آیت الله بروجردی در آستانه اعدام
- ۱۶ متن مصاحبه گزارشگران با پروانه قاسمی

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفرود خواهند آورد.

فرزندان ایرانزمین، با یک روز مبارزه، سرنوشت خود و فرزندان خود را تغییر دهید و ایرانی آزاد، آباد و سرافراز را پایه ریزی کنید. خفت و خواری ایرانیان چه در داخل و چه در خارج بس است. با قیام خود، غرور و شرافت و حیثیت ایرانی بودن را بازپس بگیرید و ایرانی را در دنیا سرافراز نمایید.

فرزندان ایرانزمین ما ایرانی هستیم و خون کورش و داریوش و سرداران مبارز ایرانی که در طی تاریخ همواره شرافت و آبروی ایرانی را حفظ کرده اند، در رگ های ما جریان دارد. ما باید به دشمنان ایرانزمین نشان دهیم که هنوز شیران این سرزمین اهورائی بیدارند و غرش کنان آماده هرگونه رزم برای آزادی و آبادی و سرافرازی این سرزمین اهورایی هستند.

ملت شریف ایران، تنها با مبارزه قهرآمیز می توان از پس یک رژیم جنایتکار و آدمکش که مورد حمایت خارجی است و تاکنون میلیونها تن از فرزندان این آب و خاک را به قتل رسانیده است، برآمد.

فرزندان ایرانزمین تنها نابودی عوامل رژیم و جاسوسان آنها می تواند قیام و رستاخیر ملی را پیروز گرداند. مردم ایران بزدل نیستند و در جنگ علیه اهریمنان ضد ایرانی پیروز خواهند شد و ایران اهورائی را نجات خواهند داد. ملت غیور ایران می داند که استقلال و حاکمیت ما در گرو آزادی، آبادی و افتخار ایران است و تنها با نابودی حکومت اسلامی به آنها دست خواهد یافت. مردم ایران می دانند که تنها راه رهائی از استعمار بین المللی و حکومت اسلامی دست نشاندۀ آن، یک قیام همگانی ملی - میهنی برای براندازی است.

فرزندان قهرمان و سلحشور ایرانزمین با همیاری و همبستگی تمام اقشار ملت ایران، شیرزان و آزادمدان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمین، کارگران، پیشه وران، کسبه، بازاریان، کارمندان، کشاورزان در روز ۱۸ تیر حکومت ضد ایران و ایرانی ملایان را سرنگون خواهند کرد.

تدارکات ۱۸ تیر ۸۶ روز قیام ملی

- ۱- مکانهای عملیاتی خود را شناسایی کنید.
- ۲- وسایل و تجهیزات و تسلیحات لازم را تهیه نمایید.
- ۳- هسته های تبلیغاتی و عملیاتی ۳ تا ۵ نفره تأسیس کنید.
- ۴- همه دانشجویان را آگاه کرده و آنها را در جریان آنچه در ۱۸ تیر قرار است بگذرد، بگذارید.
- ۵- جریان های خائن و وابسته به جناح های دولت را افشا کنید.

در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ رزمندگان نیروی هوایی ارتش ایران (پایگاه شاهرخ) برای نابودی شیاطین مذهبی در ایران قیام نمودند ولی استعمارگران جهانی توسط حکومت اسلامی دست نشاندۀ خود، برای منافع اقتصادی و ایجاد جنگ در منطقه (جنگ ایران و عراق) بیش از ۱۱۵ نفر از خلبانان، چتربازان، توپچیان و افراد نیروهای ویژه ایران را به جرم شرکت در کودتا (نوژه) تیرباران کردند.

دومین قیام ۱۸ تیر در سال ۱۳۷۸ توسط دانشجویان رزمنده و آزادخواه حکومت جباران، دزدان و قاتلان اسلامی را تا لبۀ پرتگاه کشانید ولی باز هم دست استعمار و سیاست جهانی برای نجات اهریمنان و شیاطین اسلامی ضد ایرانی به یاری این نابخردان شتافت.



ملت غیور ایران، دولت های خارجی به فکر آزادی و دموکراسی و سرافرازی ملت ما نیستند. ما با همیاری خودمان می توانیم به آرمانهای میهنی خود که همان استقلال و آزادی و تمامیت ارضی است دست یابیم و در این مهم، حکومت اسلامی دست نشاندۀ جهان استعماری باید نبود گردد و تنها راه، براندازی قهرآمیز با یک قیام ملی همگانی خواهد بود.

ملت غیور ایران، آینده ایران و فرزندان آن سرزمین اهورائی به شما بستگی دارد و شما تاریخ سازان ایران فردا هستید، شما مسئول و جوابگوی آیندگان خواهید بود.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

- تسخیر پایگاههای نیروهای سرکوبگر حکومت، فتح مراکز و نهادهای حکومتی، دستگیری و زندانی کردن عوامل و سرسپرده های حکومت به پیروزی ملت ایران منجر خواهد شد.
- مردم در هر محله و ناحیه از شهرهای ایران مسئولیت عملیات و حفظ امنیت در محیط خویش را دارند و شوراهای محلی که از افراد خوشنام و میهن پرست تشکیل خواهند شد، در چند روز اول بعد از براندازی، امنیت و آسایش را در کشور تضمین خواهند نمود.

- بمجرد خلع ید از حکومت اسلامی توسط مردم ایران، شورای براندازی دولت موقت را با همراهی و همیاری ملت قهرمان ایران تشکیل خواهد داد و شورای رهبری که از نمایندگان گروههای میهنی و مردمی است کار خود را آغاز خواهد کرد و امنیت و فضای باز سیاسی را بمدت ۸ ماه الی یک سال به ایران باز خواهد گرداند و پس از آن انتخابات آزاد در ایران انجام خواهد گرفت.

فرزندان ایرانزمین خود را برای روز قیام ملی و براندازی

حکومت جبار اسلامی آماده سازید

ملت مبارز ایرانزمین، تن های ما با هم تنها نیستند

دکتر آرمان نوری

رهبر جنبش سپید براندازی

توحش حکومتی

تجربه سه دهه گذشته نشان داده که حکومت اسلامی هرگاه احساس کند که شیرازه امور از دستش خارج می شود، به موج جدیدی از سرکوب متوسل می شود.
در چند روز اخیر شاهد گزارشات و تصاویری تحت عنوان « مبارزه با اراذل و اوباش » می باشیم. رسانه های تصویری ابعاد جدیدی از تحقیر انسانی را در ملاء عام را به نمایش می گذارد.



۶- امنیت را از جاسوسان سلب، و عوامل اطلاعاتی رژیم را پاکسازی کنید.

۷- از طریق تماس با رسانه های مختلف، با اشخاص و جریاناتی که سعی دارند مبارزه را از سمت سرنگونی به سمت اهداف خائنانه دیگر ببرند، به شدت برخورد کنید.

۸- با ورزش، آموزش و تمرینات چریکی، خود را برای خیزش همگانی ۱۸ تیر و عملیات مربوط به آن آماده سازید.

۹- از حالا در تمامی سطوح اجتماعی (خانواده، محله، مدارس) به آگاه سازی و دعوت به آماده سازی برای شرکت در راهپیمایی قیام ملی ۱۸ تیر اقدام نمائید.

عمر استبداد در جامعه ما بسر آمده است. ما گورکنان پیکر متعفن حکومت اسلامی هستیم و آنرا برای همیشه با همه اجزایش به خاک خواهیم سپرد. زمان آزادی این ملت شریف و ستم کشیده فرا رسیده است. خود را برای قیام ملی ۱۸ تیر آماده سازید. برای آزادی ایران جان ما در طبق اخلاص باد.

- از امسال روز ۱۸ تیر روز قیام ملی، تعطیل عمومی اعلام خواهد شد. در این روز هیچیک از میهن پرستان در سر کار خود حاضر نخواهند شد.

- ارتش و سپاه و بسیج در این حرکت بیطرف خواهند بود و در نهایت از مردم شریف ایران حمایت خواهند کرد.

- نیروهای مسلح میهنی - مردمی امنیت و حفاظت از مردم را به عهده خواهند گرفت و در صورت مقاومت سرسپردگان حکومت می بایست با آنها بصورت خصمانه و قهرآمیز مقابله شود.
- تجمع مردم ایران در خیابان های تمام شهرها بصورت میلیونی از ساعت ۹ صبح شروع می شود و همه مردم در خیابانها و کوچه ها تجمع خواهند کرد.

- همه مردم باید تدارکات شخصی خویش را همراه داشته باشند از قبیل مواد غذایی، آب و سلاح از هر نوعی.

- بعد از تجمع میلیونی در خیابانها، شعارهای براندازی داده خواهد شد و بعد با جنگ چریکی و پارتیزانی به مراکز حساس حمله کنید و آنها را به تصرف خود درآورید و مسئولانی برای آن مراکز تعیین کنید.

- به زندانها هجوم برده زندانیان را آزاد کنید.

- مراکز ارتباطی و صدا و سیما باید فوراً به اشغال نیروهای میهنی و مردمی درآید و از دانشگاهها به عنوان پایگاههای عملیاتی برای تسخیر هدفها استفاده شود.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

راه اندازی تبلیغات در مورد آن، تلاش می کند تا از آن طریق راه رسیدن به اهدافش را هموار کند.

این مسئله از زبان عوامل حکومتی اینچنین بررسی می شود :

یکسری زنها هستند که با پوشش خودشان موجب فساد و فحشاء می شوند، اینها وسیله تهاجم فرهنگی غربی ها و آمریکا هستند. یکسری جوانها هم با حمله به نوامیس ملت، امنیت را از خانواده ها گرفته اند. بنابراین مردم باید خیلی خوشحال بوده و از ما سپاسگزار هم باشند که نیروهای اسلام اینقدر هوشیار و بیدارند که هر توطئه ای را در نطفه خفه کرده و با دستگیری این عوامل فساد، امنیت خانواده ها را برقرار می کنند.

مردم ایران با این فرهنگ عوامفریبانه حکومت اسلامی، بخوبی آشنا هستند. همچنین مردم خوب می دانند که رژیم از روز اول حاکمیتش تلاش داشت تا هرکسی را که حاضر نشد با آن همکاری کند، با مارک ها و تهمت های بی پایه و اساس « بی اعتبار » کند. مفسد فی الارض، جاسوس، منافق، ستون پنجم، اراذل و اوباش و ... نمونه هایی از این گونه اتهامات هستند.

این رفتار و روش ها، نشانه عدم حاکمیت یک « حکومت قانون » بوده و نشان می دهد که حکومت اسلامی بر پایه یک حاکمیت ایدئولوژیک گردش امور را در دست داشته و این حاکمیت با شکنجه و سرکوب مردم در ملاء عام و در مقابل دوربین های عکاسی و فیلم برداری، حکومتی ضد ارزشهای بشری است.

صرفنظر از تعاریف و یا مبانی حقوقی، در بیان عمومی « اراذل و اوباش » افرادی هستند که مخل امنیت و آرامش مردم بوده و با اقدامات خودسرانه، فرا تر از قانون عمل می کنند. حتی اگر در خوشبینانه ترین حالت، افرادی را که رژیم از آنها با عنوان اراذل و اوباش یاد می کند، بزه کارانی بدانیم که در دنیای مدرن دولت وظیفه بهبودی و بازپروری آنها را به عهده دارد، آنگاه این سوال پیش می آید که پس برآستی اراذل و اوباش واقعی چه کسانی هستند؟ حکومتی که نزدیک سه دهه است که ابتدائی ترین قوانین و استانداردهای جهانی را رعایت نمی کند،

حکومتی که هر روز با تجاوز به حریم خصوصی و شخصی افراد، آرامش تک تک افراد جامعه را سلب کرده است، حکومتی که با زور و شکنجه و اعدام و سنگسار و قطع دست در کوچه و خیابان به عریه جوئی پرداخته و مردم را مرعوب می کند، این چنین حکومت و آن نیروهائی که در مشمززترین شکل، چوب در آستین افراد فرو کرده، سر آنها را از وسط می تراشند؛ به گردن آنان آفتابه می اندازند و در وسط محله ها آنها را چرخانده و تحقیر می کنند و ... یک چنین حکومتی تجسم واقعی پلیدی

این تهاجمات و دستگیری ها به صورتی سازمان یافته توسط نیروهای انتظامی و دولتی می باشد.

تصاویری که در آنها نه تنها نفی حرمت و حقوق انسانی یک فرد دیده می شود، بلکه پایمال شدن شرافت و حقوق اولیه یک ملت و به تحقیر و مسخره گرفته شدن آنان در زیر پوتین های پاسداران حکومت اسلامی را می توان دید.



تهاجم نیروهای سرکوبگر رژیم حکومتی به جوانان ایران در روزهای اخیر، ادامه همان سیاست تجاوز به حقوق زنان بوده و اهداف سیاسی مشخصی را هم دنبال می کند.

هدف اصلی حکومت اسلامی در حمله به مردان جوان به بهانه مبارزه با « اراذل و اوباش »، در کنار طرح سرکوب زنان، گسترش جو رعب و وحشت و مجبور کردن مردم به اطاعت و تن دادن به سیاست ها و چهارچوب های ایدئولوژیکی این حکومت است. ترساندن کل جامعه و وادار کردن آن به تسلیم از طریق سرکوب زنان و زهرچشم گرفتن از آنان، ترویج روحیه یأس و ناامیدی و تبلیغ این مسئله که مقاومت در برابر رژیم بی فایده است از اهداف واضح این رفتار وحشیانه است.



حکومت اسلامی برای رسیدن به این هدف، هرزمان با زمینه سازی های روانی- اجتماعی مسئله ای را بهانه کرده و با

ریا ورزانی که خاتمی بازیگرشان بود سالها از کلمات استفاده‌ها کردند. برای خودشان صافی وزارت اطلاعات ساختند و جز « فریب » و فریب کاری نکردند.

به حدی به این بازی ادامه دادند که جا به جا برای هر نای مخالفی بدل ساختند. خصوصاً در میان روزنامه چی و سخنران ...

بازی را تا بدینجا پیش آورده اند که جوان البته دانشجویا مخالف تراشیدند. طرح رفراندوم البته قانون اساسی صادر نمودند و چنان نفوذی در میان اپوزیسیون نمایان پول و عنوان پرست نمودند که حالا وزارت خارجه آمریکا هم برایشان کم است.

جماعت فریبکار پر از ریایی که ماه‌ها وقت مبارزه و برچیدن جمهوری اسلامی را صرف تولید داخلی طرح رفراندوم نمودند، چنان دامی را چیدند که هر که نقطه ضعفی داشت را بدام انداختند. از دانشنامه‌ای که دو دانشمند ایرانی جانشان را بر سر آن گذاشتند با فریب « پول » دامی ساختند که جز چیده شدن خود دام چاره‌ای نیست. از رادیو و تلویزیون‌ها و گروه‌ها بگیر که با بازی با کلمات البته صد البته گاندی ایرانی هم در رسانه‌ها چپاندند. همه‌اش دروغ همه‌اش فریب.

دوستان، صحنه را واضح ببینید. خود این سیستم بازی اپوزیسیون را می‌چرخاند و با مغلظه چنان آشی پخته که دیگر به کل مرگ ایرانی را رقم می‌زند. بزنگاه است و محکم ایستادنمان را می‌طلبد.

حیفم می‌آید حتی نام این بازیگران را در صفحه سفید بگذارم باب نمونه از فخرآورش بگیر و حقیقت جو و عبادی و عطری و افشاری و سازگارا و گنجی و کار بگیر ... وزارت خارجه آمریکا خواب است یا بنا به گفته دوستی که گفت می‌دانیم و گوششان را نخواهیم خورد مگر هنوز چشمی به رفراندوم سیستم جمهوری اسلامی دارد. آقایان آشنایان، مجال به فریب دادن دردی را که دوا نیست چنان زشتی این سیستم را آشکار لمس خواهید نمود که این میان دریغ از زمانی که برای مخالفان با دلسردی همراه بوده.

نگاهی به روایدهای صادر شده و نشده سال گذشته تان ببیندازید. پیر مرد فرهنگی ایرانی را ویزا ندان چه معنا دارد و در مقابل خبرنگار بازتاب را به شهر واشنگتن راه دادن چگونه است؟ کنسول و سفرای آمریکا که از حق تشخیص برخوردارند چگونه است که از این حق به سود جمهوری اسلامی بهره می‌جویند؟ چه سنگری بهتر از این وضع برای سیستم جنایت پیشه جمهوری اسلامی که خودش را از حقوق بشر مصون نماید: این اسامی را کنار هم بگذاریم همه در همان باند رفراندوم چپان

بوده و آمران و عاملان سرکوب مردم و جوانان ایران، مصادیق واقعی اراذل و اوباش بحساب می‌آیند.

اما ... همانطور که این حکومت نتوانسته بعد از سه دهه خود را با سرکوب و اعدام و شکنجه و بگیر و بند بر مردم ایران غالب کند، بعد از این نیز نخواهد توانست. و همانگونه که تاکنون مردم و جوانان ایران به روش‌های مختلف مخالفت خود را با این مزدوران نشان داده‌اند، بعد از این نیز با درس‌گیری از گذشته، مقاومت و مبارزه خود را تا تغییر این حکومت و حصول به یک حکومت آزاد و انسانی ادامه خواهند داد.

با آرزوی پیروزی و سربلندی مردم ایران و آینده‌ای روشن

برای همه جوانان ایرانزمین

مونا - ص

جمهوری اسلامی، وزارت خارجه آمریکا را می‌چرخاند؟

هرروز که نو می‌شود، بیشتر از پیش پی می‌بریم آنچه در مورد امیر عباس فخرآور، طبرزدی، اکبر گنجی، شیرین عبادی، عطری، افشاری، زرافشان، سازگارا، حقیقت جو و بقیه گفته شده درست بوده و فقط گروهی که بزودی گول می‌خورند و ترفند‌های پروپاگاندای جمهوری اسلامی که در لندن طراحی می‌شود را نمی‌شناسند آنرا می‌پذیرند.

یا شاید در صحنه رقابت برای « نفت » میان خرید جمهوری اسلامی بین آمریکا شوروی و اروپا رقابت در گرفته است. چرا نه. این هم راهی است. به گنجی مسکو جایزه می‌دهد و راهش از آنجا به آمریکا ختم می‌شود. و این ماه‌ها هم آمریکا شده است میدان گرد و خاک کردن جمهوری اسلامی. همین روزها هم هست که حتماً چین به خامنه‌ای ویزا یا جایزه‌ای اعطا نماید!

جمهوری اسلامی چنان حرکت می‌کند و پوست می‌اندازد که این همه سال نتوانسته دوام یابد.

و تا آن زمان که روبرویش نایستی به هر رنگی درت خواهد آورد و چه بازپها که در نخواهد آورد.

این سیستم را دستانی جز اکبر گنجیان نمی‌چرخاند. انقلاب را بدست آوردند. فرهنگ دو هزار و پانصد ساله را طاغوت نامیدند. وزارت ارشاد و اطلاعاتی چیدند که هر چه با فرهنگ بود را از بین بردند. نویسنده را بدترین تهمت‌ها برش راندند. شکنجه‌اش کردند. مرگ را برش باراندند و دست برداشتند. چون به دنبال مرگ اندیشه‌اش و زندگی واقعی‌اش بودند.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

۲۲ خرداد روز ملی همبستگی زنان ایرانزمین

در آستانه سالگرد ۲۲ خرداد، روز ملی همبستگی زنان ایران قرار داریم. باز هم در همان ساعت، در همان روز به خیابان های تهران (میدان هفت تیر) خواهیم آمد و باز هم بر ضد ستم و تبعیض فریاد خواهیم زد.

به یاد داریم روز ۲۲ خردادماه ۸۵ را که زنان در اعتراض به قوانین حقوقی زن ستیز در مقابل دانشگاه تهران، میدان هفت تیر تجمع نمودند و این تجمع با سرکوب وحشیانه پلیس، لباس شخصی ها و زنان چماقدار روبرو شد.

عده ای از فراخوان دهندگان تجمع ۲۲ خرداد اعلام می کردند که برای تغییر قوانین به نفع زنان با سدی مستحکم به نام قانون اساسی مواجه خواهیم شد و در واقع برای اصلاح قوانین ضد زن نیاز به اصلاح قانون اساسی خواهیم داشت؛ بنابراین حکومت اسلامی خود مانعی برای تحقق حقوق زنان است.

همانطور که می دانیم کوچک ترین مسائل زنان در ایران با بن بست قانونی مواجه است که ریشه در قانون اساسی و ساختار مردسالارانه آن دارد.

قانون اساسی به زن به عنوان یک شهروند مستقل نمی نگرد و در آن زن در چارچوب مادر، زن بی سرپرست و از این قبیل تعریف می شود. از دیدگاه حکومت اسلامی زن به خودی خود موجودیت حقیقی انسانی ندارد و حتی به عنوان مادر و همسر هم مورد احترام در جامعه اسلامی بنیادگرا نمی باشد.

زنان ایران سالهاست که برای دستیابی به حقوق برابر تلاش می کنند و موانع بسیاری بر سر آنان وجود دارد. با وجود تمام این مشکلات و موانع، زنان مبارز ایران همواره بر علیه ستم ها و زورگوئی ها که بر علیه آنها اعمال می شود مبارزه کرده و علیرغم سیاست های شدیداً خشونت بار و ارتجاعی حکومت اسلامی، در جهت تحقق حقوق پایمال شده خویش از پای ننشسته اند.

در شرایطی که حکومت اسلامی در پی اجرای سیاست کنترل مبارزات زنان، حمله به تجمعات زنان مبارز را سازماندهی می کند و با ضرب و شتم آنان می کوشد تا مانع از پیشروی مبارزات آنان شود، زنان مبارز ایرانزمین باید آگاه باشند و همیشه بدانند که دامن زدن به این توهم که این حکومت جبار و بنیادگرا لغو و تغییر قوانین زن ستیز را پذیرا خواهد شد، مانعی اساسی در پیشروی مبارزه در مسیر اصلی آن خواهد بود.

بودند از روپا طلوعی بگیرید تا فخرآور. چطور است که یکباره زیبا کاظمی را روزنامه نگاران البته مستقل! آمریکا فراموش می کنند و جایگزینی که جمهوری اسلامی معرفی می نماید را مطرح می نماید. چطور است که دانشجویان در بند یکباره فراموش می شوند و نویسنده ای آمریکایی فخرآور را هم نویسنده اعلام می دارد هم دانشجو! چطور است که جنایت های جمهوری اسلامی با تظہیر اکبر گنجی زدوده می شود؟ می دانیم که در همه این بازیها با همه دست درازیها هیچ مسند مردمی نتوانستند بتراشند پس چرا رور است بیان نمی دارید که زیر و رو این معروف شدگان اصلاحات را آوردیم دیدیم و می دانیم هیچ جایگاه مردمی ندارند. مردم را بازی می دهید؟

یعنی شما از دیدار ماه ها پیش البته خانواده ای مبارز! از کانادا به تهران بی اطلاعید؟ البته مادر در رادیو فردا مشغول و دختر خانم از مکان امن به دیدار زندانی اش می رود آن هم به دعوت جمهوری اسلامی؟...

مردم ایران را با جماعت قاتلین، و بازیگران نه خودسر بلکه سر سر یکی دانستن آن است که سیستم می خواهد.

حرکت مردم ایران شعاری نیست. مرد و زن آذربایجانی کارگر بلوچ و خوزستانی را در بر دارد. هر گروه در این میان با شعار البته در ظاهر قانونی اما در اصل در پناه بازوی با دست پیش کش سیستم پیش می رود زمان مردم را هدر می دهد. خانمهایی که پای بیانیه اجتماع در میدان هفت تیر را امضا می کنید، یادتان باشد در سیستمی هستید که « آدم » را می کشد. ایستادن در مقابل کل این سیستم و مشت کوبنده شما را می خواهد نه اطاعت از بازیگران سیستم را. چهره هر روزه شما نمود درماندگی و بیچارگی ماست در چند خط خلاصه نمی شود تا وقتی خواست بانوان ایران را اینگونه بیان می دارید این سیستم هم با دم خودش گردو می شکند.

زن ایرانی در صحنه است نیاز به موج سواری شما ندارد. جوان ایرانی در صحنه است و چنان وبلاگ نویسان سیستم و سخنگویان خارج کرده اش را ارزشی نیست.

کارگر بدنبال نان و کار و حق انسانی اش در صحنه است و بیزار از این همه شعار و آنها که سر تا پای سیستم جنایتکار را می شناسند نیز در صحنه هستند و با جوایز شما خریداری نمی شوند ...

شانزدهم خرداد

سایه سعیدی سیرجانی

سیستم مذهبی این حکومت، پایمال کردن حقوق زنان و رواج فرهنگ مردسالارانه را با ایدئولوژی اسلامی خود توجیه می کند. بنابراین با وجود حکومت اسلامی که زن ستیزی از اجزای وجودی آن است، لغو و حتی تغییر قوانین ضد زن میسر و ممکن نخواهد بود. همانطور که شاهد هستیم در شرایطی که اکثریت جامعه مخالف رژیم حاکم می باشد، صدای زنان واضح تر به گوش می رسد، چرا که این قشر در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، روزانه مورد تحقیر، توهین و خشونت قرار می گیرد.

زنان مبارز باید هدف مبارزاتی خود را ریشه کن نمودن رژیم دیکتاتوری و گسترش مبارزه خود در جهت براندازی حکومت اسلامی در ایران قرار دهند تا راه برای تحقق خواسته های عادلانه آنان در یک فضای دمکرات فراهم شود.

زنان مبارز و آزادیخواه، امروز بر شماست که بر علیه حکومت زن ستیز حرکت کرده و صفوف مخالفان و زنان مترقی و آزادیخواه را مستحکم گردانید. با شرکت در این حرکت ارزشمند دوش به دوش هم با دستانی خالی و قلب هایی مملو از خشم و نفرت و اعتراض علیه حکومت زن ستیز فریاد خود را به گوش جهانیان خواهیم رساند. افکار عمومی جهان را متوجه این جنایتکاران ضد بشریت خواهیم نمود و نشان می دهیم که تا حکومت اسلامی هست و تا آزار و تحقیر علیه زنان وجود دارد مبارزه برای آزادی و برابری زنان ادامه خواهد داشت.

با آرزوی موفقیت برای تمام زنان مبارز ایرانزمین که با وجود فضای دیکتاتوری و خفقان موجود از پای ننشسته و تا پیروزی نهایی و سرنگونی کامل این رژیم به راه خود ادامه خواهند داد

مونا - ص

نوشته از جوانی در ایران

نمی گویم نمی دانید، می دانید، اما همه اش را نمی دانید که چه بر ما و کشورمان گذشت. الان تلویزیون کانال ۴ ایران دارد فیلمی چینی را بنام زیستن در مورد چین کمونیست و پس از انقلاب چین نشان می دهد. در قسمتی از آن نشان می داد که همه دکترها را بدلیل داشتن افکار ضد کمونیستی، به مزرعه ها فرستاده بودند که کار کنند و فکرشان پاک شود. وقتی رئیس بیمارستان را به بیمارستان آوردند که به زنی در حال زایمان کمک کند، پرستارهای انقلابی چه اهانتها که به او نکردند. دکتر آنقدر گرسنه



اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

دسته سومی هم وجود ندارد. آنها هم که ساکت ماندند، یا ته دلشان با میهن بودند و از ترس صدایشان در نمی آمد، و یا از سکوتشان سود می بردند. آنها هنوز هم ساکتند و اگر دوباره چیزی پیش بیاید، باز هم ساکت خواهند بود و دخالتی نخواهند کرد.

بهر حال آنهایی که روز پیروزی انقلاب، و بعد از آن با هر فکری دنبال این انقلاب بودند و برای آن خوش خدمتی می کردند، همان خائنین هستند، هرچند امروز با قیافه ها و حرفهای دیگری سعی می کنند ظاهر شوند. کسی که یکبار خیانت کند، باز هم می کند. کسی که خیانت در ذاتش هست، هست و هیچ کاریش نمی شود کرد تا درست شود.

پس هم میهنان، چشمها و گوشه‌هایتان را باز کنید. تاریخ درست را بخوانید و بدانید و بیاموزید. تا این بار دیگر فریب نخورید. اگر یکبار، فقط یکبار دیگر فریب بخوریم، کار خودمان، میهنمان، و بلکه صلح و آرامش دنیا خراب است. شاید این ساده اندیشی به قیمت نابودی کره زمین و انقراض نسل بشر تمام شود. و تا آن موقع ما باید بیش از پیش خفت را تحمل کنیم. خود کرده را تدبیری نیست. پس چشمها و گوشه‌های خود را باز کنیم.

به امید پیروزی و دیدن روزی که ایرانمان آزاد و آباد شود. ... از ایران

سرنوشتی حکومت اسلامی تنها راه رهایی جامعه ایران است!

دیدن تصویر زنی که مأمورین سرکوبگر حکومت اسلامی، با باتوم بر سرش کوبیده اند و خون از هر طرف آن سرازیر شده است، هر فرد برابری طلب و عدالت جو و انسان دوست را باید به این فکر بیاندازد که آیا چنین حکومتی اصلاح پذیر است؟!



بود که نمی توانست کاری کند. سه روز بود که هیچ نخورده بود. پدر و مادر زن به او نان دادند و او هفت نان را با هم خورد. بعد حالش بد شد و به او آب دادند و نان ها در شکمش باد کرد و داشت می مرد. زن حامله خونریزی کرد و پرستارها می گفتند نمی توانند کاری برایش بکنند و دکتر باید بدادش برسد. دکتر هم که آنگونه پس افتاده بود.

من گریه ام گرفته بود و به یاد اوایل این انقلاب ننگین افتادم و آنچه با دکترها، اساتید دانشگاهها، معلمین، همه و همه کردند. چگونه حتی معلمین از بچه ها می پرسیدند: پسر، آیا می دانی مشروب چیست؟ آیا پدرت شبها در خانه مشروب می خورد؟ و خانواده ها به بچه ها یاد می دادند که مواظب باشند یک وقت چیزی را لو ندهند. یادم آمد که یک روز صبح از خواب برخاستم. پدرم با مادرم از هم جدا شده بودند. و ما با پدر بودیم. از برادرم پرسیدم: بابا کجاست؟ گفت: کمیته آمد او را برد چون شبها عرق می خورد، اعدامش کنند. و من ۶-۷ ساله نشستم و تا ظهر که پدرم آمد گریه کردم و می ترسیدم او را بکشند.

نمی گویم نمی دانید، می دانید، اما همه اش را نمی دانید که چه بر ما و کشورمان گذشت. هر زندگی برای خودش داستانی است و کتابها باید در این مورد نوشت. مردم را تبدیل کردند به مثنی آدم از همه جا بی خبر و پر از خرافات که هر طور بخواهند آنها را می رقصانند و حتی قصابی می کنند. وقتی به خیابانها می روی، می بینی مثنی اجناس خوشگل، ولی آشغال و درجه ۳ چینی ریخته اند پشت ویتترین مغازه ها و مردم همه یا در حال خریدند و یا در تلاش در آوردن پولی که این آشغالها را بخرند ...

و ما راهی بس طولانی داریم تا بتوانیم کم کم پیشرفت کنیم، آگاه شویم، و میهنمان را آباد سازیم. راهی بس طولانی در پیش است تا بتوانیم فرهنگ و اندیشه به لجن آغشته شده خود را پاک کنیم و حقیقت و درستی را در زندگیمان باز سازیم و مزه خوشی و خوشبختی را به فرزندانمان و آیندگانمان بیاموزیم.

حال باید فقط آگاه باشیم، بدانیم از همه چیز و بار دیگر گرفتارتر از اینکه شدیم و هستیم نشویم. این بار نباید بگذاریم که هرچه می خواهند برایمان تصمیم بگیرند و ما را مجبور کنند که برای اجرای آن کمکشان کنیم. نباید بنشینیم تا مانند وقتی خمینی را امام کردند و بر تخت سلطنت اسلامی نشاندند، این بار دیگران را بیاورند. این بار صد در صد هر کس را بخواهند بیاورند، مطمئناً بدتر از قبلیهاست. چون در اول انقلاب دو دسته بوجود آمدند. یکی آنها که با میهن بودند، و در فکر آزادی این آب و خاک بودند، و دیگری آنها که خائن به شاه، ملک، و میهن بودند.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

همبستگی برای براندازی



زمانی که از همبستگی صحبت به میان می آید سئوالاتی مطرح می گردد از جمله: چرا همبستگی، همبستگی برای رسیدن به چه هدف مشترکی، اصولاً همبستگی با چه کسانی، همبستگی با چه بیان و اندیشه ای و عملکردی، در راستای تمرکز پتانسیل خاموش به جنبش و مبارزه، برای رسیدن به چه هدفی.

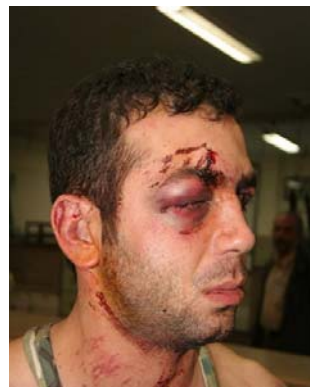
(۱) همبستگی از دو حرف هم و بستگی تشکیل گردیده است هم به معنای نزدیکی و پیوند فیزیکی دو شخص و یا دو شیئی است و بستگی فیزیکی و پیوند در اندیشه است، در نتیجه همبستگی نقل از متحد شدن، وابسته شدن، پیوندی آرمانی، اندیشه ای و فیزیکی می نماید.

زمانی نیاز به همبستگی را در جامعه حس می کنیم که منافع جمعی از مردم آن جامعه به خطر افتاده و یا پامال شده باشد، در نتیجه سهیم بودن در منافع مشترک، همبستگی و پیوند آرمانی و فیزیکی برای بالا بردن پتانسیل نیروی برخوردی در ستیز با دشمنان و عوامل مخرب و در نهایت نابود ساختن دشمنان مشترک را ایجاد می نماید.

(۲) همبستگی برای چه هدفی. در همبستگی باید همواره هدف و یا استراتژی مشخص باشد، برای همبسته کردن مردم در جهت آرمانی و فیزیکی باید به این اندیشه توجه داشت، که یافتن وجه مشترکی، که اکثریت مردم را به هم پیوند دهد اساسی می باشد و برای رسیدن به آن اکثریت مردم، هم نظر و هم اندیشه باشند این می تواند اساس همبستگی باشد. پس یافتن هدف مشترک اکثریت مردم، نخستین گام همبستگی می باشد.

بعد از گذشت بیش از ۲۸ سال از عمر ننگین حکومت اسلامی در ایران، ملت شریف ایرانزمین به غیر از خفقان، گرسنگی، جنایت، فحشا و دزدی و دیگر دستاوردهای ننگین این

اساساً طرح « امنیت اجتماعی » که نیروهای سرکوبگر و جنایتکار حکومت اسلامی، تحت عنوان « دستگیری اراذل و اوباش » راه انداخته اند، شنیع ترین و غیرانسانی ترین طرحی است که حتی ابتدایی ترین حق شهروندان را به شکل وحشیانه ای در جامعه مورد تعرض قرار داده است. در همه جای جهان حتی اگر در ظاهر هم شده حکومت حافظ امنیت شهروندان و جامعه محسوب می شود. اما در ایران حکومت دشمن جامعه و از هر موجود درنده و هیولایی برای مردم این کشور خطرناک تر است.



حکومتی که شهروندان را « اراذل و اوباش » می نامد؛ حکومتی که با اتکا به قوانین ارتجاعی اسلامی، دست و پا می برد، چشم درمی آورد؛ سنگسار می کند؛ حکومتی که سرکوب سیستماتیک زنان در راس برنامه هایش قرار داده است؛ حکومتی که اگر تار موی زنی از زیر روسری اش نمایان شود تمام پایه های ایدئولوژیک آن به لرزه می افتد؛ حکومتی که کارش چپاول و غارتگری اموال عمومی است و حتی به سفره خالی کارگران نیز بی شرمانه دست درازی می کند؛ حکومتی که خصومت و دشمنی با آزادی های فردی و اجتماعی کسب و کار دایمی اش است؛ حکومتی که برای حفظ حاکمیت خود به هر جنایتی متوسل می شود، فقط و فقط باید سرنگون شود تا بشریت از شر آن راحت گردد.

آن بخش از شخصیت ها و جریانات سیاسی و اجتماعی که چشم به اصلاحات قطره چکانی این حکومت دوخته اند و با سرنگونی حکومت اسلامی از طریق انقلاب اجتماعی خصومت می ورزند، اصولاً باید با دیدن چنین تصاویری تن شان بلرزد تا در افکار خود تجدیدنظر کنند.

بهرام رحمانی

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

قرار گیرند و با سازماندهی و همیاری، پتانسیل براندازی را افزایش دهند و به چنان نیرویی دست یافت که با آن بتوان دشمنان ایرانزمین را نابود ساخت تا ملت ایران بتواند سرنوشت خویش را در دست گیرد. در این پیوند و همبستگی، ملت ایران می بایست در حول محوری مشخص به گردش در آید تا بتواند با همسو شدن در بیان و عمل، جنبش براندازی را به پیروزی برساند.

رهبریت جنبش، سازماندهی، نظم و انضباط اجرایی مسئولان براندازی، اساس پیروزی و نجات ایران می باشد.

این سریعترین شیوه ای است که با آن می توان مقاومت حکومت اسلامی را در هم شکست و روز آن رسیده است، که همه میهن پرستان در محور یک مدار به گردش درآیند. همسو شدن در گرفتن یک پرچم، گفتن یک شعار و داشتن یک رهبر، جنبش براندازی را به پیروزی می رساند. ملت ایران، ما می بایست با این روش بنیان ساختاری حکومت اسلامی را ویران سازیم و گروههای فشار حکومتی را از بین ببریم.

زنان و جوانان ایرانزمین، به هم نزدیکتر شوید، با نیروی میهن پرستی و ایراندوستی زنجیر همبستگی را قوی و قوی تر نمائید.

تشکیلات صنفی، دانشجویی باید بتوانند با متحد کردن حرکتهای خود در مسیر براندازی، توان جنبش براندازی را نیرومندتر سازند و با اعتراضات اعتراضی خود همراه با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر رفسنجانی، برانداز - برانداز شعار ملت ماست، پایه های سست حکومت را ویران سازند و با دیوارنویسی سازمان پارس مبارزه را باید آغاز کرد، مبارزه از مرحله سیاسی - اجتماعی خارج شده است و به مرحله عملیاتی خود رسیده است. میهن پرستان می توانند از هر ابزاری برای نابود کردن عوامل حکومت اسلامی استفاده کنند و اکنون روش ما چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان خواهد بود.

باید از اجرای قوانین حکومتی در جامعه سر باز زد و عملاً با این حکومت جبار درگیر شد و آنرا نابود ساخت.

اکنون این حکومت قاتلان و دزدان، در شرایط بسیار ضعیف بسر می برد، سران رژیم به هراس افتاده اند و ترس از یک انفجار بزرگ اجتماعی یعنی قیام ملی، شعار فرزندم را برای مقابله با این انفجار، انتخاب کرده اند که توسط عوامل و مزدوران ستون پنجم رژیم در خارج و داخل کشور فریاد می زند، ولی ملت ایران فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و برانداز، برانداز شعار ملت ماست را فریاد خواهند زد.

در کشوری که آزادی وجود ندارد و جنبش های دمکراتیک همواره سرکوب شده اند، چگونه میتوان انتظار داشت که فرزندم

حکومت که بر همگان آشکار است چیز دیگری نداشته است و با عملکردهای زیرکانه انگلیسی مآب این حکومت کاذب دست نشانده استعمارگران مذهبی، و همچنین خیانت اپوزیسیون (ستون پنجم رژیم) که همواره در مسیر تاکتیکهای نگهدارنده حکومت، عملکرد داشته است، ملت بزرگ و قهرمان ایرانزمین به این نتیجه رسیده است که تنها براندازی این حکومت ضد مردمی زمینه ساز دمکراسی و آزادی در ایران خواهد بود.

در این رابطه ملت ایران پس از تجربه های مختلف و شکستهای گوناگون و متوالی، دریافته است که نه اصلاحات و نه فراندم در داخل این حکومت دست نشانده دشمنان ایران، چاره ساز نمی باشد.

ملت بزرگ ایرانزمین میتواند بعد از براندازی با پتانسیل ابتکاری و نیروی سازنده خود باعث توسعه سیاسی - اقتصادی و سیاسی - اجتماعی و در کل، پیشرفت در تمام زمینه های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی گردد، و در انتها ایران بتواند در زمره اولین کشورهای قدرتمند جهان در آید.

ملت شریف ایرانزمین، اکنون می بایست افکار انسان دوستانه و میهن پرستانه خود را که در چنگال اهریمن حکومت اسلامی اسیر است را آزاد سازید، تا در سیر صعودی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به ایرانی آزاد و آباد و بافتخار دست یابیم.

ملت ایران، در این مهم هدف ما در همبستگی، براندازی این نابخردان، دزدان و قاتلان ضد ایران و ایرانی خواهد بود.

۳) همبستگی با کی؟

حال که هدف و آرمان همبستگی مشخص شد، پیوند و نزدیکی مردم آسان می گردد. در این مهم، تمام آزاداندیشان مردم گرا و ایراندوست می توانند در این محور به گردش درآیند، اکنون رهبران سازمانها، انجمن ها و گروههای سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی که منافع مشترک در براندازی دارند، می توانند همبستگی خود را در براندازی اعلام دارند.

در این راستا پروژه و تاکتیک های سازمان پارس و شورای براندازی، رهبریت جنبش براندازی را به دوش می کشد و کسانی که با این رهبریت برای رسیدن به آرمانها و آرزوهایشان برای دستیابی به ایران بزرگ همراه ما هستند، می توانند در شورای اجرایی (دولت موقت) و یا شورای رهبری انجام وظیفه نمایند و با هدف براندازی برای رسیدن به ایرانی آزاد، آباد و سرفراز با ما هم پیمان گردند.

۴) تاکتیکها و عملکردهای همبستگی

حال که هدف و استراتژی و همچنین مشخصات طرفین همبسته بیان گردید، می بایست عاشقان و میهن پرستان در کنار هم

لحظه های بقای ننگین خود متوسل به خفقان و قهر همیشگی بر علیه مردم خواهد شد، ما میهن پرستان مبارز باید با همان روش، ولی قوی و مصمم و محکمتر، با آن مزدوران و خائنین برخورد کنیم و در رویارویی با ماشین ترور حکومتی باید به همان نحو ولی استوارتر و خشن تر عمل کنیم و با از میان برداشتن مهره های کلیدی حکومت و ستون پنجم آن، در داخل و خارج از کشور روز به روز پایه های ننگین وجودی این شرم را از تاریخ ایران عزیزمان محو سازیم.

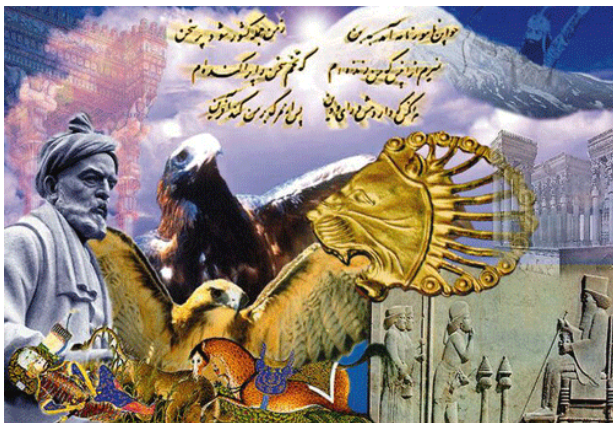
در این راستا، از نیروهای مسلح اعم از ارتش ملی، سپاه پاسداران و بسیج می خواهیم که تا دیر نشده به صفوف بهم فشرده ملت ایران بپیوندند و راه رسیدن به آزادی و مردم گرایی و حاکمیت ملی را هموار سازند، چرا که شمارش معکوس برای براندازی حکومت ملایان ضد اسلامی آغاز گردیده است.

روز رهایی چندان دور نیست و قیام ملی، براندازی را به انجام می رساند

دکتر آرمان نوری

ویژه نامه بزرگداشت حکیم ابوالقاسم

فردوسی



در روزگاری که تمدن و فرهنگ کهن پارسی تاراج هجوم سگهای وحشی تازی شده بود،

در زمانی که پارسی زبانان را عجم (به معنای لال) می خواندند،

حکیم ابوالقاسم فردوسی رخس فصاحت زین کرد و درفش کویانی برداشت و پارسی و پارسی زبان را بار دیگر زنده کرد. او سی و پنج سال از عمر پر برکتش را برای نجات پارسی از خاموشی سیصد و پنجاه ساله نمود.

تعریف سیاسی - اجتماعی خود را داشته باشد؟ در میهن ما با وجود این اهریمنان، یگانه راه نجات ایران دگرگونی بنیادی در جامعه ایران است و آن براندازی حکومت اسلامی می باشد.

من، آرمان نوری، رهبر جنبش براندازی بارها اعلام کرده ام و باز هم با عزمی استوارتر تکلیف خود را با دشمنان و مزدوران و سرسپردگان و خائنین به این مرز پرگهر اعلام می دارم، حکومت ملایان نابود باید گردد. اکنون ملت ایران می بایست بی تفاوتی خود را نسبت به آینده میهن اهورایی کنار بگذارد، چرا که زمان آن رسیده است که ما، ملت ایران سرنوشت خویش را رقم بزنیم تا بعد از براندازی به دروازه های آزادی و افتخار نایل آییم.

ملت غیور و مبارز ایرانزمین، به حملات خود علیه استبداد ملایان افزایش دهید و در مسیر براندازی و نابودی این دشمنان قسم خورده به ایران و ایرانی، لحظه ای آرام نگیرید تا هرچه زودتر این ننگ را از دامان پرافتخار ایران، پاک گردانید، تا ایران بتواند به شکوه و افتخار حقیقی خود دست یابد. ملت بزرگ ایران، می بایست با پیوندی بی نظیر و استوار، خود را برای جنگ نهایی بر علیه دشمنان ایرانزمین آماده سازید، اکنون زمان حرف و انتقاد و تحمل و بردباری بسر آمده است و مبارزه واقعی تا براندازی آغاز گشته است. فرزندان قهرمان ایرانزمین به پا خیزید و دشمنان ایران را نابود گردانید و استقلال و تمامیت ارضی و آزادی را به سرزمین اهورایی خود هدیه دهید.

فرزندان ایرانزمین نگذارید نگرشهای سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی گوناگون، شما را از یکدیگر دور سازد، از انتقادات و اندیشه های سازنده مثبت بهره گیری کنید و با مهر و دوستی در کنار هم، چنان نیروی عظیمی را تدارک ببینید که دشمنان ایرانزمین نتوانند در مقابل آن ایستادگی کنند.

فرزندان ایرانزمین، همبستگی بر علیه حکومتی است که بیش از یک ربع قرن برای نابود ساختن نماد ایران و ایرانی کوشا بوده است و ایرانی ورشکسته، ویران و سرافکننده بر جا نهاده است. بی گمان برای نابود ساختن چنین اهریمن جبار و جانی و دزد، که دین را وسیله کشتار، فساد و شکنجه قرار داده است، چاره ای جز پیوندی عظیم و واقعی از نیروهای میهن پرست و آزادیخواه نیست.

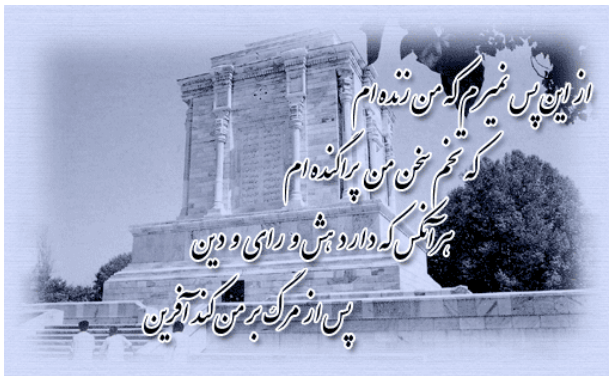
مبارزان راه آزادی، حکومت، دیگر توان سرکوبی مردم بیپاخسته ایرانزمین را ندارد و ما با همیاری یکدیگر باید آن راه بیش از این مجبور به عقب نشینی در تمام جبهه ها نماییم تا در نهایت به شکست حکومت و براندازی آن منجر شود، هرچند که حکومت سعی بر مستولی کردن جو وحشت و خشونت بر مردم را دارد و تا آخرین

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفرو خواهند آورد.

و

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد
مبادا چنین هرگز آیین من
سزا نیست این کار در دین من
که ایرانیان را به کشتن دهم
خود اندر جهان تاج بر سر نهم

و او هرگز نخواهد مرد



یادش گرامی

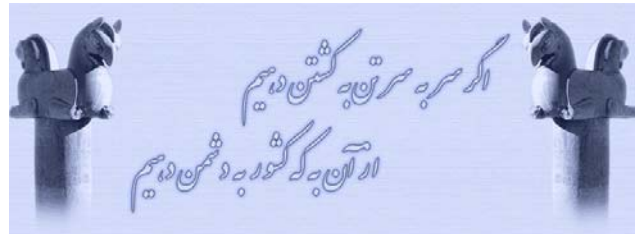
۲۲ خرداد روز همبستگی زنان ایرانزمین را ارج می نهیم

سال گذشته در چنین روزی شیرزنان سلحشور و مبارز ایرانزمین در میدان هفت تیر، مقابل دانشگاه تهران گرد هم آمدند و فریاد آزادی را سر دادند و فصل تازه ای در روند مبارزات زنان ایرانزمین گشودند.

ما این روز را ارج می نهیم و پس از براندازی حکومت جهل و خرافات اسلامی، ۲۲ خرداد تعطیل رسمی اعلام خواهد شد. زیباست شعاری که می گوید: « آزادی زن آزادی همگان است » آری چنین است، هنگامی که زنان ایرانزمین رها شوند و به آزادی و حقوق واقعی خویش دست یابند، تولدی دیگر است و ایران از چنگال اهریمنان آزاد گشته است و آن هنگام شیاطین و اهریمنان مذهبی و اهل عمامه های کژاندیش ضد ایرانی نابود گشته اند.

جنبش آزادیخواهانه شیرزنان مبارز ایرانزمین، جنبش مرگ آفرین و نابودی ملایان حاکم بر سرزمین اهورایی ایران است.

آنچه کورش کرد و دارا و آنچه زردشت مهین
زنده گشت از همت فردوسی سحر آفرین
تازه گشت از طبع همت زای فردوسی به دهر
آنچه کردند آن بزرگان در جهان از داد و دین
باستانی نامه کافشانانندش اندر خاک و گل
تازیان در سیصد و پنجاه سال از جهل و کین
آفتاب طبع فردوسی به سی و پنج سال
تازه از گل برکشیدش چون شکفته یاسمین
نام ایران رفته بود از یاد، تا تازی و ترک
ترکتازی را برون راندند لاشه از کمین
شد درفش کاویانی باز برپا تا کشید
این سوار پارسی رخس فصاحت زیر زین
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم



هرچند اعتبار جهانی ما بر باد رفته،

هرچند تازی پرستان کوتاه فکر و گزافه گو بر ما حکومت می کنند،
هرچند امروز هر نورسیده ای کمر به تحریم و تهدید ملت ایران
زمین بسته،

اما ما از نوادگان فردوسی و از نوادگان یعقوب لیث صفار هستیم
و ملتی هستیم سبز

سبزی که از نسل بهاران هستیم

پاکیم که از تبار باران هستیم

دور است ز ما تن به مذلت دادن

ما وارث خون سربداران هستیم



اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفرو خواهند آورد.

فرزندان غیور و میهن پرست ایرانزمین این شیاطین مذهبی ضد ایرانی حاکم بر میهن اهورایی را نابود سازید و سپس آن را به زباله دان تاریخ بسپارید. زنان سلحشور مبارز و آزادیخواه ایرانزمین زمان کارزار و مبارزه فرا رسیده است. خود را برای پیکار آماده نمایید. حق گرفتنی است، حق خود را با قدرت و نیروی مبارزه بدست آورید. زنان سلحشور مبارز ایرانزمین وقت جنگ است و جانا بهر جنگ آماده شو. پیروزی از آن شما خواهد بود.

پیروز باد جنبش سپید براندازی

دکتر آرمان نوری

جلسات جدید آقای آهی و سلطنت طلبان و اعضای اکثریت ...

مثل اینکه گردهمایی‌ها خیال دارد به مسایل آمریکا پردازد و

نه به مشکلات مردم ایران

مطلب زیر یکی از گزارشاتی است که درباره جلسات ذکر شده در مقاله به ما رسیده است و برای اطلاع خوانندگان روشنگری از روندهای خارج کشور درج می شود. در عین اینکه درجه اعتماد به منبع بالاست، اما درباره نام افراد و گروه هایی که در متن آمده، باید یادآوری کنیم که ما آنها را با گزارشاتی که از منابع دیگر رسیده مقایسه کردیم و تنها آن اسامی را که در متن ها تکرار شده درج نمودیم و بجای بقیه اسامی در متن نقطه چین گذاشتیم. طبیعی است که حق همه اشخاص و نیروهای نامبرده محفوظ است و روشنگری در صورت دریافت تکذیب، آن را در همین محل درج خواهد کرد.

متن مطلب رسیده: از ژانویه امسال برگزاری دور جدیدی از جلسات « همه با هم » در خارج از کشور از سر گرفته شده است. تعدادی از این جلسات که اولین آن ها در آمریکا برگزار شد حضوری و تعدادی از آنها اینترنتی است.



نقطه مشترک این جلسات آن است که آقای شهپار آهی مشاور کنونی آقای رضا پهلوی که بنا بر گزارش هفته نامه آمریکایی نیویورکر قبل از انقلاب واسط غیر رسمی کاخ سفید و دربار پهلوی بود در همه آن ها فعال است و طرح های راهبردی ارائه می دهد. در همان مقاله نیویورکر در مورد آقای آهی نوشته شده است: « آهی برنامه ریز،

قانون اساسی قرون وسطایی حکومت جهل و خرافات اسلامی، قانون فشار، خفقان، جهالت، تحجر و کژاندیشی است. فرزندان ایرانزمین، شیرزنان مبارز، زمانی این قانون اساسی تغییر می یابد که این حکومت جبار نابود گردد. فرزندان ایرانزمین، شیرزنان مبارز، برای رسیدن به ایرانی آزاد، آباد و سرافراز یگانه چاره، یک قیام و طغیان میهنی است و در امتداد براندازی حکومت متحجر ضد ایرانی می باشد.

شیرزنان سلحشور و مبارز و آزادیخواه ایرانزمین تا هنگامیکه این دستاربندان و اهل عمامه های مزدور خارجی و ضد ایرانی بر کشور ما حاکم هستند هیچگونه تغییری در جامعه ایرانی صورت نخواهد گرفت و تجربه ۲۸ سال مبارزه فرزندان میهن پرست ایرانزمین، آن را ثابت نموده است.

فراخوان عمومی

برای اعتراض به
نقض حقوق زنان در قانون اساسی

یکشنبه ۲۲ خرداد ماه
ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر
مقابل در اصلی دانشگاه تهران

فعالان جنبش زن در ایران



شیرزنان ایرانزمین، شما می بایست همگی در یک نقطه مشترک همبسته شوید تا هم آمیختگی نیروهای شما در یک مقطع مشترک استوارتر گردد و توان پیکار و مبارزه را در مقابل این شیاطین مذهبی بدست آورد و در آن هنگام است که بر دشمن خانگی که مانند یک سرطان به جان فرزندان ایرانزمین افتاده است پیروز خواهید شد و آنگاه رهایی خواهید یافت. شیرزنان سلحشور مبارز و آزادیخواه ایرانزمین، از شما انتظار دارم نقطه مشترک خود را، براندازی و نابودی این حکومت ضد انسانی قرار دهید و با همبستگی و همیاری به توانایی پیکارگر و مبارز خود بیافزایید و در زمان طغیان و قیام ملی میهنی سراسری، از آن بهره بگیرید و در روز ۱۸ تیر ماه دوشادوش دانشجویان مبارز ایرانزمین فریاد مرگ بر حکومت اسلامی را سر دهید و جنبش براندازی را پیروز گردانید. در چنین روزی با همیاری همه

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفرو خواهند آورد.

اما دم خروس از منشور پیشنهادی بیرون می زند. این منشور غیر از شعارهای معمولی و «عشقی» حاوی اصطلاحاتی است مثل «مبارزه با تروریسم» و «محو سلاح های کشتار جمعی و حمایت از کلیه تلاش ها و قراردادهای بین المللی در این جهت». اما یک کلمه از مخالفت با جنگ و تحریم در آن نیست. در حالیکه با روی کار آمدن احمدی نژاد و فاجعه آفرینی های او خطر جنگ و تحریم برای مردم ایران واقعی تر شده است. اما گردهمایی مثل این که خیال دارد به مسایل آمریکا بپردازد و نه به مشکلات مردم ایران. به همین جهت در کنار عبارات کلی فوق که همه می دانند مورد استفاده آنها برای جرج بوش چیست، به هیچ وجه نه با جنگ مخالفت شده، نه با تحریم، نه با جنگ افروزی دولت های ایران و آمریکا و نه با فعالیت گسترده تروریستی کنونی و گروگان گیری و بمب گذاری در شهرهای ایران. مخالفت با وجود سلاح هسته ای در سراسر جهان و بخصوص در خاورمیانه هم که جای خود دارد.

شاید برخی از کسانی که به شرکت در این جلسات ترغیب می شوند ندانند که به کجا کشیده می شوند. اما ندانستن در این شرایط خطیر هیچکس را تبرئه نمی کند. هم ترکیب «همه با هم» این جلسات، هم مواضع سیاسی بسیاری از افراد و نیروهای سازمان دهنده آن و هم سکوت سازمان دهندگان اصلی در مورد مهم ترین خطراتی که به موازات جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کند، هم امتناع آن ها در باره شقوق و راه های «واقعا موجود» برای سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر جایی برای تبرئه بی خبری نمی گذارد.



این جلسات در حالی برگزار می شود که با توجه به اختصاص بودجه توسط آمریکا برای سازمان دادن عوامل و نهادهای وابسته به خود، شرایط برای چنین اقداماتی حتی از دوره فرماندوم سازگارا بدتر شده

است. این مسأله و حضور بخشی از شرکت کنندگان با سوابق شناخته شده، هر ایرانی مبارزی را بلافاصله و به حق به یاد داستان چلبی و «کنگره ملی عراق» او، و علوی و «اتحاد ملی عراق» او می اندازد. در این «کنگره ملی» ایرانی هم نقش گروه ها و منفردین خارج کشور اصلی است و در منشور هم روی ایرانیان برون مرز تأکید شده است.

معلوم نیست این گروه ها چطور می خواهند رژیم را سرنگون کنند. در عراق و افغانستان هم، کنگره ملی چلبی و

منتور، نویسنده سخنرانی ها و مونیتور پهلوی است. او هم چنین سعی می کند اپوزیسیون متمیزه شده را به نفع رضا پهلوی گرد هم بیاورد ... اغلب او را با احمد چلبی که قبل از حمله آمریکا به عراق رهبر کنگره ملی عراق بود مقایسه می کنند.

در جلسات پالتاکی که به این منظور برگزار شده چند بار رضا پهلوی شرکت کرده است. دیگر نیروهای شرکت کننده عبارتند از اعضای سازمان اکثریت، گروه جمهوری خواهان ملی، نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران، کومله مهتدی، جبهه متحد بلوچستان و طرفداران فرماندوم سازگارا. آقایان حسین باقرزاده، کامبیز روستا، عبدالستار دوشوکی، فرشید امیر ابراهیمی، خانم ها رویا طلوعی و ویکتوریا آزاد، خانم و آقای عبقری و ... از جمله کسانی هستند که در این جلسات شرکت دارند.

ظاهراً اعلام کرده اند هدف این جلسات آن است که روی یک «میثاق» یا «منشور» توافق کنند و در جلسه ای یک «کنگره ملی» اعلام کرده و منشور را منتشر نمایند. به منظور اتحاد «همه با هم» هر پیشنهادی را کمی تغییر می دهند و در منشور وارد می کنند و وقتی بحث اختلاف نظر پیش می آید می گویند داریم گفتگو می کنیم و خوب است اختلاف نظر داشته باشیم. مثلاً می نویسند «هر مقام مادام العمر بااختیارات مطلقه و غیر مسئول و و «مخالفند اما نمی نویسند با مقام موروثی مخالفند تازه اگر کسی اصرار کند آن را هم وارد می کنند چون آن قدر قید و شرط برای نپذیرفتن مقام مادام العمر گذاشته اند که بعضی ها شاید بتوانند خامنه ای را هم در چارچوب منشور بپذیرند. بنا بر میثاق خودشان اهداف هم بر عشق مبتنی است و هم بر «مناسبات عقلایی».

«عشق»، حتماً عشق به رسیدن به مقامی است و لابد به هرکس وعده ای داده شده و «مناسبات عقلانی» با توجه به تضادهای آشتی ناپذیر که بالاخره سر باز خواهد کرد، یعنی محاسبات عقلانی.

به همین جهت در مورد مسأله ملی آنقدر از گوشه دهن و محتاطانه حرف می زنند که اصلاً معلوم نیست اختلافشان چیست که این همه گره ایجاد کرده است و کار نوشتن میثاق را به تأخیر انداخته است. ظاهراً همه بر سر «تمامیت ارضی» توافق کرده اند و حتی صحبت از پس گرفتن فدرالیسم توسط حزب دمکرات است تا شبهه تجزیه کشور پیش نیاید. چون همه می دانند فعالیت اصلی آمریکا در زمینه برپا کردن نزاع قومی است و هیچکس در ایران نظر خوشی به این مسأله ندارد. پس محاسبات عقلانی حکم می کند که مناسبات را بر ابهام سوار کنند.

اکثریت که پرونده خیانت اشان بر همگان آشکار است. یادمان نرفته است که چگونه با رژیم اسلامی در شکار انقلابیون و کمونیست ها همکاری می کردند.

بنابراین اینان در میان مردمی که ۲۷ زیر یوغ حکومت اسلامی بسر بردند و در بدترین شرایط زندگی کردند. مردمی هستند که دیگر گول نمی خورند. مردمی هستند که می خواهند این رژیم را با دستان خودشان سرنگون کنند و دنیا دیگری را بسازند، جایی ندارند.

امروزه هر نیروئی که برنامه سرنگونی قهری رژیم اسلامی و مقابله با امپریالیسم آمریکا و متحدینش را در سرلوحه کارش قرار داده باشد و با اتکا بر این برنامه عمل کند و به نیروی مردم متکی باشد می تواند تکلیف این منشورها را در عمل پاسخ گوید. مینا

آیت الله بروجردی در آستانه اعدام!

روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۶ پس از گذشت نه ماه از بازداشت آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی و بیش از پانصد تن از یارانش اولین دادگاه ایشان در دادگاه ویژه روحانیت تهران، بطور غیرعلنی برگزار گردید.



پرونده آیت الله بروجردی و ۱۷ نفر دیگر از متهمین پرونده هم اکنون در شعبه دوم دادگاه ویژه روحانیت تهران بدون آنکه به درخواست مکرر ایشان مبنی بر داشتن وکیل و برگزاری دادگاه بصورت علنی بنا بر نص صریح قانون اساسی کشور و قوانین تصریح شده در آئین نامه دادگاه ویژه روحانیت توجهی گردد در جوی کاملاً غیر قضایی و قانونی در حال بررسی است و بنا به اعلام دفتر دادگاه آخرین جلسه دادرسی در روز چهارشنبه ۲۴ خرداد ماه سال جاری برگزار می گردد. قاضی دادگاه اتهامات آیت الله بروجردی و هفده نفر از چهارصد و بیست و شش متهم این پرونده را که بنا به اعلام وزارت اطلاعات کار تحقیق و بازجویی شان به پایان رسیده است را اینچنین اعلام نموده است:

اتحادیه ملی علوی و حمید کرزای رژیم های صدام و طالبان را سرنگون نکردند. آنها را بعد از حمله و جنگ با هواپیما به عراق و افغانستان بردند. به عبارت دیگر خاصیت این کنگره ها رهبر درست کردن برای مردم است. مردم این طور رهبر را همانقدر قبول می کنند که رهبر بی قدر و مقدار کنونی جمهوری اسلامی را. مردم یادشان نرفته که آخوندها هم سوار بر رنج و بدبختی مردم، رهبر شدند.

نکته قابل توجه این که از داخل ایران عناصری در این جلسات شرکت کرده اند که میان اپوزیسیون شایع است با رژیم جمهوری اسلامی ارتباط دارند. برخی طرفداران سابق فراندوم سازگارا می گویند آن موقع هم رژیم عناصر و عوامل خود را وارد کرده بود و از این طریق کل فراندوم را در دست خود گرفت. سایت روشنگری

نظر یک خواننده:

به نظر من خیلی تعجب آور نیست که سلطنت طلب ها و دمکراتها و مهتدی ها و اکثریت و ... دور هم جمع شوند و برای خود تصمیم گیری کنند.

واقعیت این است که منافع این دارو دسته با منافع اکثریت جامعه ما متضاد است.

این نشست ها در خدمت امپریالیسم آمریکا می باشد. برای همین هم تشکیل می شود.

امروزه برای تشخیص اینکه چه برنامه ای متعلق به اکثریت جامعه ایران یعنی کارگران و زحمتکشان و زنان است باید بر دو محور اساسی متکی باشد.

موضع قاطع بر علیه جمهوری اسلامی و موضع قاطع بر علیه امپریالیسم آمریکا و اروپا.

بنابراین منشور کذائی این دار و دسته خود فروخته نمی تواند آمال و آرزوی مردم ما را نمایندگی کند. اینان به دنبال این هستند که از کشتار مردم چه بوسیله جمهوری اسلامی و چه بوسیله آمریکا با تحریم و یا جنگش برای خود نمدی درست کنند. دار و دسته سلطنت طلب ها فراموش کرده اند که تاریخ تکرار نمی شود. مردم یک بار با این خاندان تکلیف خود را روشن کردند. بقیه کاسه لیسانی که به دور سلطنت طلب ها جمع شده اند به فکر این هستند که از حمایتی که اینان از طرف آمریکا می شوند خود را وارد بازار آمریکا کنند.

دار و دسته مهتدی و سازمان زحمتکشان در این مبان به دنبال این است که طالبانی ایران شود و به قیمت سرکوب کردن مردم ایران برای خود جایی را پیدا کند.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.



هم اکنون ۱۲۰ نفر از هواداران ایشان همچنان در زندان های امنیتی تهران در بازداشت بسر می برند و مابقی نیز در مجموع با دو میلیارد و سیصد و چهل میلیون تومان وثیقه موقتاً آزاد می باشند، در میان بازداشت شدگان ۷۹ نفر زن وجود داشته است که بنا به اظهار چهار نفر از آنان در زندان اوین مورد اهانت های شدید جنسی و تجاوز واقع شده اند.

آیت الله سید حسین کاظمینی بروجردی از جمله روحانیون و مراجع بنامی می باشد که مخالف دین سیاسی و قرائت ولایت فقیه در شیعه می باشد، آقای بروجردی بارها از نهادهای بین المللی تقاضای کمک کرده است، دفتر نمایندگی آیت الله بروجردی در اروپا ضمن استمداد از تمامی نهادهای بین المللی و حقوق بشری و شخصیت های سیاسی و فعالان حقوق بشر اقدامی عاجل در جهت توقف این دادگاه غیر علنی و فاقد وجاهت حقوقی و قضائی که حتی مخالف نصوص صریح ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی می باشد را داشته. خاطر نشان می سازیم تنها خواسته آیت الله بروجردی داشتن وکیل مدافع و برگزاری دادگاه بصورت علنی می باشد.

متن مصاحبه گزارشگران با پروانه قاسمی

از جمله نگرانی ها و گره های فکری و عمومی ایرانیان و بخصوص تحلیلگران سیاسی، احتمال حمله نظامی آمریکا و متحدانش و وقوع جنگی است که آتش بیار معرکه آن از سوئی سران جمهوری اسلامی و از جانب دیگر امپریالیست های اشغالگر هستند که در بحرانی در منطقه و در طی ماههای گذشته از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. تا چه حد این احتمال با واقعیات موجود و پارامترهای سیاسی این بحران در تطابق قرار دارند؟

پروانه قاسمی: با تشکر از شما برای اینکه این موضوع های مهم را به بحث گذاشتید. به باور من حمله آمریکا به ایران با توجه به شرایط کنونی، محتمل نیست. اصولاً هیچ اختلاف اساسی بین آمریکا و

محاربه و اقدام علیه امنیت ملی، برگزاری سخنرانی و تحریک افکار عمومی بر علیه نظام، نامشروع خواندن « ولایت فقیه », نایب وزارت اطلاعات نامیدن فقها و مراجع تقلید، متهم کردن بنیانگذار و رهبر انقلاب به بدعت گذاری در دین و دروغگوئی، ارتباط با چهره های شاخص ضد انقلاب و جاسوسی از اوضاع داخلی کشور برای آنها، متهم کردن مسئولین بلندپایه در کوتاهی نسبت به حقوق و مطالبات مردم و استفاده از واژه « دیکتاتوری دینی » به جای « جمهوری اسلامی » در مصاحبه با رادیو و تلویزیون های خارجی، جعل دین جدیدی به نام « دین سنتی », سوء استفاده از لباس روحانیت، استفاده از سلاح سرد در رویارویی با مأمورین قضائی و نیروهای انتظامی و ...

در پایان اولین جلسه دادرسی، حجت الاسلام قدیانی دادستان دادگاه ویژه روحانیت ضمن قرائت خلاصه ای از کیفرخواست ۳۵۰ صفحه ای از قاضی پرونده تقاضای دوبار اعدام برای آیت الله بروجردی به اتهام محاربه و جعل و تشکیک در دین و برای هفده نفر دیگر متهمین پرونده یکبار اعدام به اتهام محاربه و اقدام مسلحانه بر علیه حکومت اسلامی نموده.

بنا به گفته یکی از نزدیکان آیت الله بروجردی که در پشت درهای دادگاه حضور داشته است قاضی دادگاه پس از تفهیم اتهام و شنود کیفرخواست توسط دادستان ضمن اعلام به آیت الله بروجردی که با تحقیقات بسیار جایی برای دفاع وی از اتهاماتش وجود ندارد صرفاً کمتر از دو دقیقه به ایشان وقت دفاع داده که آیت الله بروجردی نیز در حالی که آثار ضعف جسمی و جراحات شدید بر بدنش کاملاً مشهود بود و به شدت از پارکینسون رنج می برد و به سختی سخن می گفت در همان وقت کوتاه اظهار می دارند:

« من در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۹ نیز به علت فعالیت های مستقل مذهبی که با استقبال عمومی مواجه شده بود زندانی شدم، جرم حقیقی من، مسائل سیاسی و امنیتی نیست، اختلاف من با حکومت، اعتقادی است، این حقیر بدعتی در دین ایجاد نکرده ام بلکه پیرو اجداد و علمائی چون آیت الله العظمی بروجردی و شریعتمداری و خوئی هستم که مخالف التقاط دین و دولت بودند و « ولایت فقیه » را نوعی شرک می دانستند و اتهامی بیش از این را قبول ندارم و از دادگاه محترم می خواهم امکان انتخاب وکیل و مناظره در فضای آزاد را برایم فراهم سازد.»

گفتنی است آیت الله بروجردی و بیش از ۵۰۰ تن از یارانش در ۱۳۸۵/۷/۱۵ پس از گذشت چهل و سه روز درگیری خونین با عوامل امنیتی و لباس شخصی ها در منزلشان در تهران بازداشت شدند.

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.

گزارشگران : چنانچه و مفروض چنین اتفاقی روی دهد به نظر شما اهداف حملات نظامی مهاجمان خارجی در ایران کدامند؟

پروانه قاسمی : همانطور که گفتیم احتمال حمله به ایران را نمی بینم و این مسأله را سیاستمداران آمریکایی از جورج بوش گرفته تا بقیه بارها تکرار کرده اند و گفته اند که مایل به حل مشکلات خود با ایران از راه های دیپلماتیک هستند. اما زمانی که جنبش های اعتراضی با اوجگیری خود خطری جدی برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند و آن را به تلاشی بکشند، بی شک، نه تنها آمریکا بلکه همه امپریالیست برای نجات جمهوری اسلامی و حفظ منافع خود اقدام خواهند کرد.

گزارشگران : نقش نیروهای ضد جنگ و حامیان صلح را در داخل و خارج از کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

پروانه قاسمی : این نقش را موقعی مثبت می دانم که بخوبی شناخت از امپریالیسم و جمهوری اسلامی داشته باشند چرا که عدم شناخت درست خیلی از جریانات « ضد امپریالیست » از جمهوری اسلامی در ایران و خارج همیشه باعث شده که برخی به طرفداری از این یا آن بپردازند. این امر تابحال نیروی زیادی از اپوزیسیون، که بهر حال چندان هم وضع خوبی ندارد، گرفته است. نقش نیروهای ضد جنگ در خارج باید این باشد که به نیروهای ضد امپریالیست چهره واقعی جمهوری اسلامی و همسویی آن با امپریالیستها به خصوص با امپریالیسم آمریکا را بشناسانند و در داخل اهداف رژیم را از شعارهای دروغین ضد آمریکایی افشا کرده و برنامه های ضد مردمی آن را برملا نمایند. در چنین صورتی است که می توانیم در داخل و خارج همگام با هم با نیروهای ضد جنگ گام های مهمی برداریم.

گزارشگران : از صدای سوم یا راه و خط سوم گفته می شود. این صدا چه مختصاتی دارد و چگونه صفوف خود را سازمان خواهد داد؟

پروانه قاسمی : صدای سوم همانا نه به امپریالیسم آمریکا و نه به جمهوری اسلامی است. در داخل و خارج از ایران هدف یکی است باید با افشای هر چه بیشتر اهداف هر دو از جار و جنجالهای هدفمند را برای عموم روشن ساخت و با مبارزه علیه سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و برنامه های جنگ افروزانه امپریالیست ها، صدای حق طلبانه کارگران و زحمتکشان را چه در داخل و چه در خارج به گوش جهانیان رساند. چرا که بدون پشتیبانی کارگران و زحمتکشان در دیگر کشورها نمی توان به تنهایی در ایران کار مهمی کرد. در این رابطه است که شعار « کارگران وزحمتکشان جهان متحد شوید » ارزش عملی می یابد.

جمهوری اسلامی نمی بینم که موجب وقوع جنگی میان این دو گردد. باید به دور از جار و جنجال های ظاهری هر دو به مسائل ایران و منطقه نگاه کنیم. جمهوری اسلامی یکی از عواملی است که به ملتاریزه کردن منطقه توسط آمریکا عملاً کمک کرده است. بدون موافقت ایران، آمریکا به افغانستان و عراق نمی توانست به این راحتی حمله کند و به اشغال نظامی این دو کشور به پردازد. این مسأله بارها به انحاء مختلف از جانب آنها عنوان شده است. اما اتمی شدن ایران و جار و جنجال هایی که هر از چندی راه می اندازند جوسازی برای اهداف دیگرست. به این جوسازی هر دو برای سرپوش گذاشتن بر بحران های داخلی خود احتیاج دارند و علاوه بر این آمریکا از این جو بحرانی به سود توسعه نفوذ سیاسی و نظامی خود در منطقه استفاده می کند.

گزارشگران : نقش و جایگاه روشنفکران سیاسی مستقل در بحران موجود کدامند؟ و آیا این نکته صحیح است که یکی از اهداف مهم سیاست های جنگ افروزانه جمهوری اسلامی خاموش کردن صدا و خیزش های اخیر جنبش های درون کشور از جمله زنان و معلمان و کارگران می باشد؟

پروانه قاسمی : نقش روشنفکران مبارز در افشای برنامه های رژیم و نشان دادن سمت و سوی قضایا اهمیت زیادی دارد. در مورد اهداف جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات کارگران، معلمان و دانشجویان و ... که هر روزه بیش از پیش بالا می گیرد، همیشه به دنبال ترفندهایی بوده و این بار مسئله اتمی کردن و شبیح حمله نظامی آمریکا، شرایط را برای تحمیق مردم و دامن زدن به احساسات « ملی » فراهم کرده است.

گزارشگران : گفته می شود حجم و گستردگی نیروهای نظامی آمریکا و وابستگانش در ادامه اعزام ناوهای هواپیمابر و پرسنل نظامی در منطقه خلیج فارس در اندازه های پیش از وقوع جنگ و اشغال نظامی کشور عراق است. آیا این امر بر احتمال آغاز جنگ با ایران می افزاید؟

پروانه قاسمی : در رابطه با این سؤال در واقع من می توانم دوباره تکرار کنم که رژیم جمهوری اسلامی خطری برای آمریکا در منطقه به حساب نمی آید، آمریکا از این جار و جنجالها برای اینکه بتواند منطقه را بیشتر تحت نفوذ خود در آورد استفاده می کند. سیاست های ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی دقیقاً کمک به آمریکا و متحدانش برای توجیه حضور بیش از پیش نیروهای امپریالیستی در منطقه است. ضمناً سرکوب جنبش های اعتراضی در ایران در چنین جوی ساده تر است. هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی هر دو در سرکوب جنبش های مترقی و نیروهای انقلابی منافع مشترک دارند.

گزارشگران : در حال حاضر چه تحلیلی از افکار عمومی داخل و خارج کشور در مورد جنگ دارید؟ با توجه به اینکه برخی از احزاب و نهادهای چپ در اروپا بنوعی همسوئی با رژیم می پردازند و تنازعات موجود و سیاست های جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی را که می تواند فجایعی غیر قابل جبران به لحاظ انسانی و اقتصادی ببار آورد، نادیده می انگارند

پروانه قاسمی : برای برخی که زمانی با همین استدلال ها از خمینی و رژیم اتجاعی جمهوری اسلامی تحت عنوان « ضد امپریالیست » دفاع کردن اکنون نیز همان سیاست را در رابطه با دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران ادامه می دهند. برای جریانات ضد امپریالیست خارجی در شرایط فقدان یک جریان انقلابی در ایران و یک اپوزیسیون منسجم در خارج، توجه به ظاهر قضایا آن را به دنبال جمهوری اسلامی کشانده است. البته این امر با تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی و افشای ماهیت ضد مردمی آن می تواند تغییر کند و این نیروها به جای دفاع از جمهوری اسلامی، در همبستگی با مبارزات مردم ایران بسیج شوند.

با تشکر از شما

بهروز سورن

گزارشگران : گفته می شود که بزرگترین و مؤثرترین نیروی ضد جنگ در داخل کشور آمریکا و به تعبیری شهروندان این کشور می باشند. آیا این نکته یک حقیقت است؟

پروانه قاسمی : طبق آماري که در رسانه های گروهی پخش شده تقریباً ۶۳ درصد مردم آمریکا ضد جنگ هستند باید گفت که در آمریکا همچون ایران دولت آمریکا با جار و جنجال زیاد به وسیله رادیو تلویزیون و روزنامه ها سعی دارد حول و حوش انتخابات در آمریکا برای خود چهره ای انسانی به نمایش گذارد و با علم کردن اینکه ما در عراق و افغانستان برای کمک به مردم و برقراری دمکراسی به آنجا رفته ایم، بتواند سیاست های جنگی خود را توجیه کند.

گزارشگران : تأثیرات تحریم اقتصادی ایران از جانب شورای امنیت و وابستگان را چگونه ارزیابی می کنید؟

پروانه قاسمی : اگر به مسئله تحریم های ایران تا به حال نگاه کنیم می بینیم که این مسئله جز بسته شدن حساب های بانکی چند تن از سران رژیم در خارج و اجازه ندادن به ورود بعضی از سران رژیم به برخی کشورها چیز زیادی به همراه نداشته است. به این ترتیب نباید تحریم های شورای امنیت را چیزی جز بازی با جمهوری دانست.

گزارشگران : جریان و پشت پرده گروگانگیری ۱۵ ملوان انگلیسی که هم اکنون دست به افشاکاری هائی چند زده اند و تیترا اخبار جهان را بخود اختصاص می دهند را چگونه ارزیابی می کنید؟

پروانه قاسمی : گروگانگیری ۱۵ ملوان انگلیسی و سپس افشاکاری آنها همه نمایشی مسخره و تاکتیکی بی اعتبار بود که هیچکس آن را جدی نگرفت. این سیرکهای پر جنجال نباید این حقیقت را زیر سؤال ببرد که جمهوری اسلامی رژیم دیکتاتور و ضد بشری است و چهره کریه امپریالیسم انگلیس و نقش آن در اشغال و کشتار مردم افغانستان و عراق را از نظرها دور کند.

گزارشگران : لاریجانی نماینده ارشد مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی به تازگی اعلام کرده که رژیم ایران آماده تفاهم با کشورهای غربی است. این زیگنال را چگونه تحلیل می کنید؟

پروانه قاسمی : همیشه ایران آماده همکاری بوده و آمریکا و دیگر کشورهای غربی نیز همیشه اعلام کرده اند که با رژیم ایران همکاری خواهند کرد. باید توجه داشت جمهوری اسلامی به تنهایی نمی تواند این تکنولوژی را داشته باشد و هدف کشورهای غربی در این هیاهو، گرفتن امتیاز بیشتر برای توسعه منافع خود در ایران است.

**فرزندان ایرانزمین در تکثیر و پخش این نشریه ما را یاری خواهند کرد.
کمک های مالی خود را به نام PARS به شماره حساب زیر ارسال دارید.**

IBAN : FR76 1027 8060 3100 0200 8534 190

**Organisation PARS
B.P 6593
75065 Paris Cedex 2 – France**

**www.sazmanepars.com
Email : sazmanepars@aliceadsl.fr
iran-info@aliceadsl.fr**

اراده ملت ایران برای رهایی از استعمار، نیروی عظیمی است که ابرقدرتها در مقابل آن سرفروند خواهند آورد.